



## جغرافیای حافظ ابرو

به بهانه حروفچینی جلد دوم و سوم

دکتر صادق سجادی

اوضاع و احوال اجتماعی را نیز ذکر کرده و به همین سبب آن را باید جغرافیای تاریخی سرزمینهای اسلامی نامید. این اطلاعات تاریخی هر چه به زمان نویسنده یعنی دوره تیموری نزدیکتر می شود مبسوطتر می گردد.

کتاب جغرافیای حافظ ابرو اصلاً در دو مجلد تدوین شده است: مجلد اول شامل نقشه جهان، مقدمه جغرافیا، مقدمه، تاریخ، کیهان شناسی، توصیف دریاها و رودها و دریاچه ها و کوهها و ذکر عربستان و سپس دیگر سرزمینهای اسلامی از غرب به شرق است یعنی از اندلس آغاز شده و به کرمان و فارس ختم شده است.

مجلد دوم مشتمل بر جغرافیای خراسان و ماوراءالنهر و شرحی درباره تاریخ آن نواحی است. حافظ ابرو در آغاز فصول مربوط به هر ناحیه، نقشه جغرافیایی آن را نیز آورده است. او در ترسیم و تعیین مواضع، پیرو مکتب جغرافیایی بلخی بود که بر خلاف نظام یونانی «اقلیم» و نظام ایرانی «کشور» یا «ایران شهر» بر مبنای سرزمینها تقسیم می شد. امتیاز نقشه حافظ ابرو - به گفته محققان - بر نقشه های کهن تر آن است که این نقشه مشتمل بر شبکه خطوط طولی و عرضی جغرافیایی است. خطوط عمودی، طول جغرافیایی و خطوط افقی عرض جغرافیایی را نشان می دهند.

به هر حال از جمله اطلاعات گرانبهایی که این کتاب مشتمل بر آن است و می تواند راهگشای درک گوشه های تاریخی از تغییرات جغرافیایی برخی مناطق باشد، باید از ذکر تغییر مسیر جیحون از دریای خوارزم به دریای خزر، آتش فشانی خفیف دماوند در عصر حافظ ابرو، ذکر رودها و نهرهایی که اکنون از میان رفته اند یا در دوره حافظ ابرو پدید آمده اند، یا در دیگر کتب جغرافیایی ذکر نشده اند یاد کرد. ذکر آب و هوا و خصوصیات اقلیمی و پوشش گیاهی و توصیف جانوران دریایی و زمینی و صنایع هر شهر از دیگر فواید این اثر است.

شهاب الدین عبدالله خوافی مشهور به حافظ ابرو، از مورخان و جغرافی نویسان نامدار سده ۸ و ۹ ق (۱۴ و ۱۵ م) و صاحب آثار مهمی در تاریخ ایران و اسلام خاصه عصر تیموری است. کتاب جغرافیای او نیز که در واقع یک دوره جغرافیای تاریخی سرزمینهای اسلامی و بویژه ایالات بزرگ ایران است، از چند جهت حائز اهمیت بسیار است:

نخست آنکه حافظ ابرو - چنانکه خود متذکر شده و از سراسر کتاب او نیز پیداست - با تمهید مقدماتی، به خواست خود نه به دستور شاهرخ اما با تأیید او، به نگارش جغرافیا دست زد و منابع کار را فراهم آورد. قطع نظر از شباهتهای آشکاری که میان برخی عبارات این کتاب و ترجمه قدیم فارسی مسالک الممالک اصطخری به چشم می خورد و مصحح در این باره در مقدمه بتفصیل سخن رانده است، نقل قولهای او از منابع دیگر برای بررسی دقیق آن منابع که برخی از آنها اکنون مفقودند، یا تکمیل منابعی که موجودند به کار می آید.

دوم آنکه حافظ ابرو به سبب نزدیکی با امیر تیمور چنانکه خود تصریح کرده، در غالب سفرهای جنگی این فرمانروای جهانگیر با وی همراه بوده و یادداشتهای بسیاری از اوضاع اقلیمی و وضعیت شهرها، حدود و مرزها، مسافتات ولایات، اوضاع روزها و نهرها و دریاچه ها، اندازه باروها و دژها و بسیاری نکات دیگر تهیه کرده و در تدوین کتاب جغرافیا به کار گرفته است. بنابراین بخش مهمی از این کتاب بویژه آنچه درباره شهرهای مسیر لشکر کشیهای تیمور نوشته، حاوی مشاهدات او و اطلاعات دست اول و دقیق است. این اطلاعات دقیق و نوین را در فصول مربوط به خراسان و ماوراءالنهر بیشتر می توان یافت.

و سوم آنکه حافظ ابرو در کتاب جغرافیای خویش حوادث تاریخی هر منطقه اعم از تاریخ دولتها و سلسله ها و جنگها و برخی